

سه چیزی که نمی‌گذارد دعا بکنیم

شرح دعای ابوحمزه ثمالی به روایت آیه الله جوادی آملی - 3/ اگر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است،



شرح دعای ابوحمزه ثمالی/

سه چیزی که نمی‌گذارد دعا بکنیم/ شما به چه کسی امیدوارید؟

شرح دعای ابوحمزه ثمالی به روایت آیه الله جوادی آملی - 3/ اگر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است. **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . قُلْ مَا يَعْجِبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاكُمْ**

یکی از آداب و سنن دعا همین است. وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه در سحرهای ماه مبارک رمضان ذات اقدس إله را حمد می‌کند و او را شایسته حمد و ثناء می‌داند و همین را زمینه اجابت دعا می‌شمارد . عرض می‌کند:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي إِذَا دَعَوْتُهُ وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي" .

خدا را من حمد می‌کنم که وقتی او را می‌خواهم و می‌خوانم ، مرا اجابت می‌کند. گرچه هر وقت او مرا خواست، من با گندی به طرف او حرکت می‌کنم و گاهی هم ممکن است این راه را طی نکنم.

خدا را من حمد می‌کنم که وقتی او را می‌خواهم و می‌خوانم ، مرا اجابت می‌کند. گرچه هر وقت او مرا خواست، من با گندی به طرف او حرکت می‌کنم و گاهی هم ممکن است این راه را طی نکنم. و خدای را حمد می‌کنم که هر وقت چیزی خواستم به من عطا می‌کند، گرچه هر وقت او دستور انفاق مالی داد من بخل می‌ورزم . و خدای را حمد می‌کنم که هر وقت خواستم با او ندائی در میان بگذارم، بدون واسطه و بدون شفيعی که از من شفاعت بکند او مرا می‌پذیرد. قبلاً به عرضتان رسید که همانطوری که آیات قرآن یکدیگر را شرح و تفسیر می‌کنند، احادیث و ادعیه و مناجات هم به شرح ایضا.

این دعای ابوحمزه ثمالی را باید با سائر ادعیه امام سجاد شرح کرد. وجود مبارک امام سجاد در صحیفه سجادیه دارد که: خدایا! سه چیز مانع دعا کردن من است و یک چیز من را به دعا کردن تشویق می‌کند.

اما آن سه چیزی که حاجب است، نمی‌گذارد من دعا بکنم؛ یکی این که شما مرا امر کردی به واجبات و مستحبات، امر کردی و من در اطاعت امر گندی کردم و انجام ندادم . دوم این که مرا از بعضی از امور نهی کردی و من متأسفانه مرتکب متهی عنه تو شدم. سوم این که نعمت‌های فراوانی به من دادی، من به جای شکر نعمت، گفان نعمت کردم و حق شناسی نکردم . این سه امر حاجب و مانع نیایش و دعای من است که من به خودم اجازه نیایش نمی‌دهم و آنها جلوی نیایش من را هم می‌گیرد. اما یک چیز است که من را وادار به نیایش می‌کند و دعای من را هم مستجاب می‌کند و آن تفضل و بزرگواری و احسان ابتدائی توست. خدایا ! تو در برابر کار پاداش نمی‌دهی! تمام لطف‌های تو احسان است و تمام مت‌های تو ابتدا . میتک ابتداء . مسبوق به استحقاق نیست . چون روی لطف رفتار می‌کنی، بنابراین من هم به خودم اجازه نیایش و دعا می‌دهم.

در همین دعای ابوحمزه ثمالی عرض می‌کند: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِيَنِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي** . خدای را حمد می‌کنم که هر چه از او خواستم به من می‌دهد و اگر خود خدا از من استقراض کند به عنوان قرض الحسنه من گندی می‌کنم و بخل می‌ورزم . در قرآن هم فرمود: **هَآ أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِتُقْفَلُوا وَ مِثْكُمْ مَن يَبْخُلُ وَ مَن يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَخْضَلْ عَلَى نَفْسِهِ**. فرمود: شما کسانی هستید که دعوت می‌شوید در راه خدا انفاق کنید، ولی برخی از شما بخل می‌ورزند باید مستحضر باشند که علیه خود بخل می‌ورزند.

بعد عرض می‌کند: خدای را شکر می‌کنم که هر وقت من خواستم با او تنها باشم و کسی مرا همراهی نکند، خدا مرا راه می‌دهد. گاهی انسان می‌خواهد شفیع بیاورد، ولی شفیع ندارد و خداوند هم **آخَرُ مَن يَشْفَعُ** است و **آخَرُ مَن يَشْفَعُ** أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

شفیع جناح طائر است. جناح سائل است که با وسیله شفیع انسان توان پرواز دارد. ولی گاهی انسان بی پر است. شفيعی ندارد. قدرت استشفاء ندارد و اگر هم استشفاء کرد کسی از او شفاعتی را به عمل نمی‌آورد.

خدای را حمد می‌کنم که هر وقت چیزی خواستم به من عطا می‌کند، گرچه هر وقت او دستور انفاق مالی داد من بخل می‌ورزم. آنگاه وجود مبارک امام سجاد وصف دیگری که برای داعیان لازم است ذکر می‌کند. داعی باید در خوف و رجاء موخّد باشد. عرض می‌کند:

"وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ادْعُوهُ وَلَا ادْعُوا غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِيْ دَعَائِيْ ."

خدای را شکر می‌کنم که من فقط او را می‌خوانم . غیر او را نمی‌خوانم . اگر غیر او را بخوانم ، استجاب نمی‌کنم . چون کار از غیر او ساخته نیست . چنین که در طلیعه امر هم گذشت مِنْ اَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يَا رَبِّيْ وَ لَا يُوجَدُ اِلَّا مِنْ عِنْدِكَ.

در امید انسان، باید موخّد باشد. چنین که در خوف هم باید موخّد باشد. یک موخّد در تمام شئون موخّد است. می‌گوید: "اِنَّ الصَّلَاتِيْ وَ تُسْكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ." ممکن نیست کسی موخّد ناب باشد، توحیدش صحیح باشد، از غیر خدا بترسد. یا ممکن نیست کسی توحیدش تامّ باشد و به غیر خدا تکیّه کند و امیدوار باشد. لذا عرض می‌کند:

"وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَرْجُوهُ وَ لَا اَرْجُوا غَيْرَهُ ."

به غیر خدا امیدوار نیستم . چرا ؟ برای این که: وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِيْ . اگر من به غیر خدا امیدوار باشم یا کار از دست آن ساخته نیست، یا اگر ساخته باشد خلفه رجاء می‌کنند؛ یعنی به امید من بها نمی‌دهند. در حقیقت از غیر خدا کاری ساخته نیست.

چون هر چه در جهان امکان یافت می‌شود مظاهر قدرت خدایند وَ لِلّٰهِ جُتُوْدُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ است، لِلّٰهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ است وَ مَا يَعْلَمُ جُتُوْدَ رَيْكَ اِلَّا هُوَ و مانند آن است. بنابراین یک موخّد در خوف و رجاء موخّد خواهد بود. بعد عرض می‌کند: خدا را شکر می‌کنم که ما را به خودش واگذار کرده است.

و با واگذاری به خود مایه کرامت ما را تأمین کرده است. و ما به غیر خودش واگذار نکرده است که مورد اهانت ما باشد. خدا اگر ما را به خودمان واگذار کند یا به غیرمان واگذار کند مورد وهن ما و سستی ما و اهانت ما خواهد بود. ما می‌شویم موهون و خار و ذلیل. چرا ؟ چون اگر الْعِزَّةُ لِلّٰهِ جَمِيعًا ، اگر تمام عزّت مال خداست، اگر خدا انسان را به غیر خدا واگذار کند، چه به خودش واگذار کند، چه به افراد دیگر چنین کسی ذلیل خواهد بود.

برای این که عزّت فقط از ناحیه ذات اقدس إله است . و خداوند با این کار که ما را به خودش واگذار کرده ، به غیر خودش واگذار نکرده، ما را از ذلیل و فرومایه شدن رهائی بخشید و عزیز و گرامی قرار داد.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَ هُوَ عَنِّيْ عَنِّيْ . وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّيْ حَتّٰى كَأَنِّيْ لَا ذَنْبَ لِيْ فَرَبِّيْ أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِيْ وَ أَحَقُّ بِحَمْدِيْ .

خدا از هر موجودی حمیدتر، محبوب‌تر و شایسته‌تر برای حمد است . چرا ؟ برای این که خدا خود را دوست ما معرفی کرده است . فرمود: اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ . خدا بندگان را دوست دارد.

مؤمنین را دوست دارد و مانند آن تحبّب کرده، اظهار محبّت کرده. نسبت به ما دوستی می‌کند با این که از ما بی‌نیاز است کاملاً، این یک. خدا از زشتی‌های ما صرف نظر کرده، حلیمانه با ما برخورد کرده که گویا اصلاً گناهی از ما سر نزده، دو . وَ هُوَ يَحْلُمُ . از این جهت خدا محمودترین اشیاء و شایسته‌ترین اشیاء به حمد است. برای این که در کمال بزرگواری و بی‌نیازی خود را نسبت به ما محبّ نشان می‌دهد. و در کمال حلیم و صبور و بردبار بودن از همه گناهان ما می‌گذرد که گویا اصلاً گناهی از ما صادر نشده است. خوب چنین موجودی دارای بهترین نعمت است و نعمت او هم به ما می‌رسد، لذا شایسته بهترین نعمت است و نعمت او هم به ما می‌رسد، لذا شایسته بهترین نعمت است و نعمت او هم به ما می‌رسد، لذا شایسته بهترین حمد است. غیر خدا نه از ما بی‌نیازند، نه نسبت به ما تحبّب دارند، اظهار محبّت می‌کنند. نه از لغزش‌های ما می‌گذرند.

پس شایسته حمد نیستند. در اینگونه از موارد احمد بودن و أحقّ به حمد بودن أَفْعَلْ تعیینی است نه تفضیلی. یعنی تنها کسی که شایسته حمد است خدای سبحان آن است. امیدواریم خدای سبحان حمد و ثنای همگان را بپذیرد.